



جایگاه صله رحم در سبک زندگی اسلامی و راهکارهای مقابله با ضعف در صله رحم از منظر آموزه های اهل بیت (علیه السلام)

ایراندخت فیاض¹، شهره گوزلی اینانلو²، سپیده انصافی مهربانی³

1. دانشیار و عضو هیأت علمی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Email: www.iranfayaz@yahoo.com

2. فارغ التحصیل مقطع ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Email: www.shohrehenanlloo@yahoo.com

3. دانشجوی دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Email: www.sepideh.ensafi@yahoo.com

چکیده

صله ارحام به معنای «ارتباط با خویشاوندان» اعم از سببی و نسبی است. درباره جایگاه صله رحم در اندیشه اسلامی همین بس که از آنجا که «صله ارحام» از واجبات دینی بوده، قطع آن از امور حرام بشمار می رود. زندگی مدرن کنونی با رویکرد فردگرایانه و خودمدارانه، میان نسل های یک خانواده هم خون و هم سرشت فاصله انداخته و غفلت از صله رحم این آموزه بزرگ اخلاقی و اسلامی را بدنبال داشته است. در این مقاله به بررسی جایگاه صله رحم در سبک زندگی اسلامی با عنایت به آموزه های اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و راهکارهای مقابله با آن از منظر این آموزه ها پرداخته می شود. نتایج این تحقیق در قالب راهکارهای عملی مقابله با ضعف در صله رحم از منظر آموزه های اهل بیت (ع) را می توان در چهار دسته بندی کرد: الف) صله رحم زبانی، ب) صله رحم عملی، ج) صله رحم قلبی، د) صله رحم مالی.

واژه های کلیدی: صله رحم، سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، صله رحم در قرآن، صله رحم در آموزه های اهل بیت (ع).



Seleh-ye Rahem in Islamic life style and the strategies to cope with its decrease from the viewpoint of Ahl al-Bayt (AS)

Irاندokht Fayyaz¹, Sepideh Ensafi Mehrabani², Shohreh Gozali Inanlou³

- 1- Associate professor, Educational Sciences and Psychology Department ,Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
Email: www.iranfayyaz@yahoo.com
- 2- MA Graduate, Educational Sciences and Psychology Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
Email: www.shohrehenanlloo@yahoo.com
- 3- Ph.D. student, Educational Sciences And Psychology Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
Email: www.sepideh.ensafi@yahoo.com

Abstract

Seleh-ye Rahem means communicating with relatives (both blood relatives and relatives by marriage) and it's considered as one of the religious obligations and breaking it is forbidden. Today's modern life with individualistic and self-oriented approach has distanced the generations of individuals from their relatives and has led to the ignorance of Seleh-ye Rahem which is one of the most principal Islamic and ethical teachings. In the present research, we have attempted to shed light on the status of Seleh-ye Rahem in Islamic life style and the strategies to cope with its decrease from the viewpoint of Ahl al-Bayt (AS), The result of this research can be categorized into practical strategies of coping with the decrease of Seleh-Ye Rahem from the viewpoint of Ahl al-Bayt into 1) Verbal Seleh-ye Rahem, 2) Behavioral Seleh-ye Rahem, C) emotional Seleh-ye Rahem, and D) financial Seleh-ye Rahem.

Keywords: Seleh-ye Rahem, Life-style, Seleh-ye Rahem in Quran, Seleh-ye Rahem in Teachings of Ahl al-Bayt.



مقدمه

«صله» به معنای عطا، احسان، دهش و جایزه است و معنای مصدری آن پیوند دادن، نیکی و عطا کردن و ارتباط برقرار کردن می‌باشد (فرهنگ عمید، 1389). همچنین «صله» در لغت به معنای احسان و دوستی آمده است و مراد از «رَحِم»، خویشاوندان و بستگان می‌باشد (لغت نامه دهخدا، 1393).

در جای دیگر، در اصطلاح، صله رحم به معنای محبت و سلوک داشتن با خویشان و نزدیکان آمده است (المنجد، ج 2، ص 2188). در فضیلت و اهمیت آن در آموزه های اسلامی می‌توان به این حدیث پیامبر اسلام (ص) اشاره کرد که فرمودند: «رحمت خداوند بر مردمی که در میان آنها قطع کننده رَحِم باشد، فرود نمی‌آید» (ری شهری و همکاران، 1390، ج 12، ص 383). و از قطع و ضعف در ادای آن از زمره گناهانی است که آثار عقوبت دنیوی علاوه بر عقوبت اخروی به همراه دارد: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هیچ گناهی به اندازه قطع رَحِم و خیانت و دروغ، سزای آن نیست که خداوند، علاوه بر کیفر اخروی، مرتکب آن را در همین جهان نیز به زودی کیفر دهد» (همان).

با توجه به آثار ژرف صله رحم در حوزه فردی و اجتماعی و زندگی دنیوی و اخروی انسان، آیات قرآن به طور گسترده بر آن تأکید ورزیده و اهمیت آن را گوشزد کرده اند. در آیات قرآن، کسانی را که قطع صله ارحام می‌کنند، در شمار «زیان کاران» قرار داده است: "الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ"¹.

از امام صادق (ع) درباره مفهوم «آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده» که در این آیه آمده است، پرسیده شد؛ ایشان فرمود: «مراد از امر خدا، صله رحم است و تأویل دیگر آیه، ارتباط شما با امامان معصومین است». امام سجاد (ع) نیز در نصیحت خویش به فرزندان، آنها را از هم نشینی با چند گروه منع می‌کند که یکی از آنها، کسی است که روابط خویشاوندی را قطع کرده است؛ زیرا آنان در آیات قرآن مشمول لعنت الهی قرار گرفته اند: «بپرهیز از هم نشینی با «قاطع رحم» که من او را در سه جای قرآن، لعنت شده یافتیم» آنجا که خداوند می‌فرماید: "فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ - أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ"².

در روایات از «صله رحم» به بهترین اعمال پس از ایمان، اولین سخنگوی روز قیامت و بهترین خصلت مؤمن یاد شده است. از سوی دیگر، نکوهش های شدیدی بر ترک پیوند با خویشان آمده که نشان دهنده اهمیت فوق العاده این مسئله در اسلام است. علت اینکه اسلام نسبت به نگهداری و حفظ پیوند خویشاوندی این همه پافشاری کرده، اینست که همیشه برای اصلاح، تقویت، پیشرفت، تکامل و عظمت بخشیدن به یک اجتماع بزرگ، چه از نظر اقتصادی یا نظامی و چه از نظر جنبه های معنوی و اخلاقی، باید از واحدهای کوچک آن شروع کرد، با پیشرفت و تقویت تمام واحدهای کوچک، اجتماع عظیم خود به خود، اصلاح خواهد شد.

اسلام برای عظمت مسلمانان از این روش به نحو کامل تری بهره برداری نموده است. دستور به اصلاح واحدهایی داده که معمولاً افراد از کمک و اعانت و عظمت بخشیدن به آن روگردان نیستند، زیرا تقویت بنیه افرادی را توصیه می‌کند که خوششان

¹ - سوره بقره، آیه 27.

² - سوره محمد، آیات 22 و 23.



در رگ و پوست هم در گردش است، اعضای یک خانواده‌اند و پیداست هنگامی که اجتماعات کوچک خویشاوندی، نیرومند شد، اجتماع عظیم آنها نیز عظمت می‌یابد و از هر نظر قوی خواهد شد (مکارم شیرازی، 1372، ج 1: 184).

برای شکافتن بیشتر اهمیت صله رحم در قرآن توجه به آیات زیر مهم است:

الف: صاحبان عقل و اندیشه‌اند «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يُوْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ؛ تنها صاحبان اندیشه متذکر می‌شوند. آنها که ... و آنها که پیوندهایی را که خدا به آن امر کرده است برقرار می‌دارند. ۱»

ب: عاقبت نیک‌سرای دیگر از آن آنهاست «... أَوْلَيْكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» ۲ و به تعبیر دیگر «صله رحم کنندگان» جزء عاقبت به خیرها خواهند بود، چون «عقبی» به معنی عاقبت و پایان کار است خواه خیر باشد یا شر، ولی با توجه به قرینه حال و مقال منظور در آیه فوق عاقبت خیر است (مکارم شیرازی، 1372، ج 10: 192).

پ: بهشت جاویدان: جایگاه آنها و پدران، همسران و فرزندان صالح آنها خواهد بود، «جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ» ۳

د: فرشتگان به آنها خوش آمد می‌گویند: «وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ؛ و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌گردند. (و به آنها می‌گویند) سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتان، چه پایان و عاقبت خوبی» ۴.

ت: رعایت پدر و مادر به عنوان یکی از مصادیق بارز «ارحام» تا سرحد توحید خداوند: «لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا؛ چیزی برای خدا شریک قرار ندهید و به پدر و مادر احسان کنید» ۵

ث: رعایت «بستگان» که از «ارحام» محسوب می‌شوند، در ردیف ایمان به خدا و پیامبران و فرشتگان و معاد که همه از مصادیق «بر» و نیکی به حساب آمده‌اند: «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى...؛ نیکی آن نیست که رویتان را به سوی مشرق و مغرب آورید، بلکه نیکی آن است که کسی به خداوند و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب‌های آسمانی و پیامبران ایمان داشته باشد و مال را با وجود دوست داشتن به خویشاوندان و... ببخشد» ۶

ج: شایستگی «ارحام» غیر وارث برای شرکت در مال ارثی: «وَ إِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» چون خویشاوندان (غیر از ورثه) برای تقسیم (ترکه) حضور یابند، از آن به چیزی ایشان را بهره‌مند سازید و با ایشان با زبان خوش سخن بگویید. ۷

1. سوره رعد، آیه 21.

2. سوره رعد، آیه 22.

3. سوره رعد، آیه 23.

4. سوره رعد، آیه 24.

5. سوره انعام، آیه 151.

6. سوره بقره، آیه 177.

7. سوره نساء، آیه 8.



چ: از طرف دیگر «قطع» صله رحم موجب ناخشنودی حق تعالی و دوری از رحمت او خواهد بود... «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ...» و پیوند خویشاوندانشان را بگسلید. اینان کسانی هستند که خداوند لعنتشان کرده ۱

ح: «قطع» صله رحم هم‌ردیف با فساد در زمین بشمار آمده است: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ...»؛ اگر (از این دستورها) رویگردان شوید، جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟» ۲

خ: حدود شرعی «صله‌رحم»: «صله‌رحم» نباید انسان را از حد و مرز «توحید» و «اطاعت حق» بیرون ببرد، قرآن کریم می‌فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ...»؛ قومی نیایی که به خداوند و روز بازپسین ایمان داشته باشد و با کسانی که با خداوند و پیامبر او - صلی الله علیه و آله - مخالفت می‌ورزند دوستی کنند ولو آن‌که پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خاندانش باشند. اینانند که (خداوند) در دل‌هایشان نقش ایمان نگاشته است و به فیض از جانب خویش استوارشان داشته است. ۳

1. آثار صله رحم

با تأملی در آثار صله رحم در آیات و روایات درمی‌یابیم که بخشی از آثار و برکات این مسئله در حوزه فردی و بخشی از آنها در حوزه اجتماع مطرح می‌شود، همچنانکه پاره ای از این آثار در دنیا و پاره ای در آخرت نصیب انسان می‌گردد. «صله رحم» مانند دیگر فضایل اخلاقی درجه‌های متفاوتی دارد و با حداقل ارتباط که همان رفت و آمد خانوادگی یا سلام کردن است، آغاز می‌شود و با مهرورزی بیشتر از طریق رفع مشکلات و نیازمندی‌های خویشان به وسیله همکاری و مشارکت در زمینه‌های مختلف و کمک‌های عاطفی، مالی و جانی تکامل می‌یابد. بدیهی است به میزان تقویت و گسترش این ارتباطات در عمق و سطح، آثار و برکات وسیع‌تری نصیب فرد و جامعه می‌شود.

«باید گفت اسلام روی مسأله وحدت و انسجام خیلی سرمایه‌گذاری می‌کند به همین جهت وحدت را چند مرحله‌ای کرده است، مرحله اول وحدت در خانواده و مرحله دوم وحدت در بین فامیل‌ها و مرحله بعد وحدت در کل مؤمنان و جامعه اسلامی است. چراکه همیشه برای اصلاح، تقویت و پیشرفت جامعه، وحدت، از ضروریات است؛ و با پیشرفت و تقویت تمام واحدهای کوچک، اجتماع عظیم، خود به خود اصلاح خواهد شد. وحدت هزینه زیادی لازم دارد، در صورتی که تفرقه با یک سوء ظن حاصل می‌شود.

اهمیت صله رحم تا حدی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «صِلَةُ الرَّجْمِ تَعْمُرُ الدِّيَارَ وَ تَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ وَ إِنْ كَانَ أَهْلُهَا غَيْرَ أَخِيَارٍ» پیوند با خویشاوندان شهرها را آباد می‌سازد، و بر عمرها می‌افزاید، هر چند انجام دهندگان آن از نیکان نباشند. و نیز امام صادق (ع) می‌فرماید: «صِلْ رَجْمَكَ وَلَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ، وَ أَفْضَلُ مَا يُوصَلُ بِهِ الرَّجْمُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا» پیوند خویشاوندی خویش را حتی با جرعه‌ای از آب محکم کن و بهترین راه برای خدمت به آنان اینست که (لااقل) از تو آزار و مزاحمتی نبینند» (مکارم شیرازی، 1392).

1. سوره محمد، آیات 22 و 23

2. سوره محمد، آیه 22

3. سوره مجادله، آیه 22



ذکر آثاری که پس از این اشاره می شود، چنین تصویری را برای خواننده ایجاد نکند که با حفظ حداقل ارتباط خویشاوندی بتوان به تمام این برکات دست یافت.

1، 2. آثار فردی صله رحم

1، 2، 1. آثار دنیوی

• افزایش عمر: در متون اسلامی به دو گونه اجل اشاره شده است (مجلسی، 1403، ج 5: 139). قرآن کریم می فرماید: «ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ»^۱ سپس مدتی مقرر داشت و اجل حتمی نزد او است؛ یعنی انسان یک اجل مبهم دارد و یک اجل مسمی و متعین، که در نزد خدا است و در او تغییری حاصل نمی شود. شاهدش، کلمه «عنده» است. از طرف دیگر «ما عندالله باق»^۲ و این همان اجل محتوم است که در قرآن بدان اشاره شده است: «...هنگامیکه اجل آنها فرا رسد، و فرمان مجازات یا مرگشان صادر شود، نه ساعتی تأخیر می کنند، و نه پیشی می گیرند»^۳

اگر این مطالب را به آیه دیگری که می فرماید: «خداوند هرچه را بخواهد محو، و هرچه را بخواهد اثبات می کند؛ و "ام الكتاب" [لوح محفوظ] نزد او است!»^۴ ضمیمه کنیم، به دست می آوریم که اجل مسمی، همان چیزی است که در «ام الكتاب» نهاده شده و غیر مسمی همان است که در «لوح محو و اثبات» نوشته شده است.

«ام الكتاب» قابل انطباق بر حوادث ثابت در عین است؛ یعنی حوادث از جهت استنادش به اسباب عامه ای که از تأثیر، تخلف نمی ورزد، و «لوح محو و اثبات»، قابل انطباق است بر حوادث از جهت استنادش به اسباب ناقصه ای که چه بسا آن را «مقتضیات» می نامیم که ممکن است با موانعی همراه گردند و از تأثیر باز داشته شوند؛ لذا گاهی اجل مسمی و غیر مسمی با هم موافقاند و گاهی مخالف و آن اجلی که واقع می شود اجل مسمی است (طباطبایی، 1417ق، ج 7: 8-10). به هر حال، اجل معلق این قابلیت را دارد که به تأخیر بیفتد، و در اثر موانعی از تأثیر باز داشته شود؛ لذا اگر در روایاتی مشاهده می کنیم که می فرمایند با انجام فلان کار و عمل، عمر آدمی زیاد می شود، اشاره بدین نکته دارند که عمل مذکور، مانعی برای تحقق اجل معلق است.

در روایتی می خوانیم: «مردمی که بواسطه کارهای خوبشان زندگی می کنند، بیشتر از کسانی هستند که به عمر طبعیشان زندگی می کنند و مردمی که بواسطه گناهانشان می میرند، بیشتر از کسانی هستند که به اجلشان می میرند» (مجلسی، 1403ق، ج 5: 140).

گاهی بیان می شود که صدقه از اجل معلق جلوگیری می کند و عمر آدمی را زیاد می نماید و گاهی هم گفته می شود که صله رحم باعث عمر طولانی می شود. در اینگونه موارد مکانیزم دقیق اضافه شدن عمر برای ما معلوم نیست؛ شناخت دقیق آن مربوط به علم و اراده خداوند است؛ خداوند می تواند با روشهای گوناگون به عمر افراد بیفزاید. به عنوان نمونه از وقوع

1. سوره انعام، آیه 2

2. سوره نحل، آیه 96

3. سوره یونس، آیه 49

4. سوره رعد، آیه 39



تصادفی که برای او مقدر شده بود جلوگیری کند یا ممکن است در صله رحم با دیدن و ملاقات فامیل انرژی مثبت به انسان وارد شود و این انرژی باعث نشاط و انبساط روحی شده و همین امر باعث طولانی شدن عمر گردد.

خداوند متعال برای هر امتی، عمری مشخص قرار داده است: «لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ»^۱. البته آن را مشروط به عواملی ساخته است تا زیادت و نقصان پذیرد. بعبارت دیگر، بخشی از عمر آدمی، عمر حتمی و قطعی اوست که به آن «اجل محتوم» گویند و بخشی دیگر، عمر موهبتی الهی است که آن را در ازای عمل به قوانینی که خود مقرر داشته است، به بندگانش عطا می کند. همانگونه که یک سلسله عوامل مادی نظیر تغذیه صحیح، رعایت بهداشت، دوری از هیجان های مداوم و... مایه افزایش عمر معرفی می شود و خداوند این خواص را در آنها قرار داده است، عواملی نیز وجود دارند که هرچند ارتباط ظاهری آن با طول عمر برای ما چندان روشن نیست، ولی در روایات روی آن تأکید شده است.

امام صادق(ع) می فرماید: "من چیزی مؤثرتر از صله رحم برای زیادتی عمر نمی شناسم. گاهی کسی که تنها سه سال به پایان عمرش باقی است، صله رحم می کند و خداوند به برکت آن، سی سال بر عمر او می افزاید و عمر او تا سی و سه سال دراز می گردد و گاه کسی که سی و سه سال به پایان عمرش باقی است، ولی قطع رحم می کند و خداوند سی سال از عمر او را کاهش می دهد و سه سال پس از آن، مرگ او فرا می رسد".

علی بن حمزه مروزی که یکی از شیعیان، دوستان و شاگردان معروف امام کاظم(ع) بود، همراه یعقوب زید مغربی برای انجام حج به مکه مسافرت کرد. آنان در مسجدالحرام به حضور امام کاظم(ع) رسیدند. امام به یعقوب فرمود: آیا در فلان منزل با برادرت نزاع کردید و به یکدیگر فحش دادید؟ یعقوب گفت: آری. امام فرمود: به برادرت بگو بر اثر قطع رحم، عمرت کوتاه شد و از این سفر بر نمی گردی. یعقوب گفت: من هم به او فحش دادم، آیا عمرم کوتاه می شود؟ امام فرمود: «خداوند بیست سال دیگر بر عمر تو می افزاید؛ زیرا تو در راه بازگشت، به عمه ات خدمت کردی. اگر در برابر آن قطع رحم که نسبت به برادرت کردی، این وصل رحم نبود، عمر تو نیز کوتاه می شد و از این سفر به وطن باز نمی گشتی؛ زیرا قطع رحم، عمر سی ساله را به سه سال و صله رحم، عمر سه ساله را سی و سه سال می کند».

• افزایش روزی و رفع فقر: از دیگر کارکردهای صله ارحام، جلب رزق الهی و نعمت های خداوندی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: "هرکس برای من یک چیز را ضمانت کند، من چهار چیز برای او ضمانت می کنم. صله رحم کند تا خداوند او را دوست بدارد. روزی اش را توسعه دهد، عمرش را زیاد کند و او را به بهشت وارد کند".

امام سجاده(ع) نیز درباره نیکی، صدقه پنهانی و صله ارحام می فرماید: «عمر را زیاد می کند و فقر را از بین می برد». اساساً «صله ارحام» یکی از مصداق های تقوای الهی و عمل به فرمان های اوست. خداوند به تقوا پیشگان وعده نعمت و رزق را داده است از جایی که گمان نمی برند: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^۲.

توجه به خویشاوندان و تلاش برای رفع نیازهای آنان و بطور کلی، گام نهادن در مسیر تحقق آرمان های مقبول هم نوعان به ویژه خویشاوندان که در مراحل بالای صله ارحام تجلی می یابند، نوعی شکر الهی است. به مقتضای سنت حاکم بر جهان هستی، مصرف درست دارایی ها که در حقیقت، نماد قدرشناسی مؤمن و ادای شکر عینی و عملی این نعمت هاست، زیادی

1 - سوره اعراف، آیه 34.

2 - سوره طلاق، آیات 1 و 2.



آن را در جنبه‌های کیفی و کمی موجب می‌گردد و این وعده الهی است که «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^۱.

کفر، نعمت از کفت بیرون کند شکر نعمت، نعمت افزون کند

• تأمین سلامتی و سامان یافتن امور: دستیابی به عافیت دنیا و آخرت و سلامت جسم و روح، دعای همیشگی مؤمنان است که چنین با معبود خود نجوا می‌کنند: «یا ولیّ العافیة نسئلک العافیة، عافیة الدنیا و الآخرة، بجاه محمد و عترته الطاهرة». صله ارحام نیز سلامتی جسمی و روحی و سامان کارهای زندگی مؤمن را به همراه دارد. امام صادق(ع) در این زمینه می‌فرماید: «نیکی و صله رحم کنید؛ که همه امور شما را در طریق درست سامان خواهد داد». رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرموده است: «کسی که تأخیر مرگ و سلامت بدن را دوست دارد، صله رحم کند».

علاوه بر سلامتی جسمی و سامان یافتن کارها، صله ارحام با ایجاد محبت میان خویشاوندان، دستیابی به آرامش و کاهش اضطراب از طریق حضور در جمع، کسب هویت اجتماعی و فرصت ابراز خود به ویژه در دوران جوانی و نوجوانی، به طور گسترده‌ای در تأمین امنیت روانی و سلامتی روحی مؤثر است. انسان‌های گوشه‌گیر، مضطرب و بحران زده، نه تنها جسمی نحیف و بیمار، بلکه روح و شخصیتی ناپایدار و متزلزل دارند.

در این باره از امام علی(ع) نقل شده است که: هرگاه کسی از رحم خود عصبانی شد و بر او خشم گرفت، باید به سوی او روانه شود و با او تماس برقرار کند. به درستی که دو رحم با تماس با یکدیگر، به آرامش و سکون می‌رسند.

از آنجاکه ارتباط میان ارحام، ارتباط و وحدت خونی است که در ماده وجودشان نهفته است، آثار حقیقی در خلق و خوی آنها دارد. از این رو، رحم، یکی از قوی‌ترین عوامل برای التیام و آشتی میان افراد یک عشیره است و آمادگی قوی‌ترین اثر را دارد. به همین جهت، می‌بینیم نتایجی که عمل خیر در بین ارحام می‌بخشد، شدیدتر از نتایجی است که همین احسان در بیگانگان دارد. این مسئله درباره بدر رفتاری با خویشان نیز صادق است. بدین ترتیب، معنای این حدیث بیشتر روشن می‌شود.

• در امان ماندن از گناه: بر اساس روایات، صله ارحام باعث حفظ آدمی از گناه می‌شود. شاید این اثر از این جهت باشد که آدمی در برخورد با خویشان صالح، رفتارهای صحیح را می‌آموزد و رفتارهای غلط خود را تصحیح می‌کند؛ بویژه در صورتیکه سنت نیکوی امر به معروف و نهی از منکر در میان خویشان جاری باشد. از دیرباز خویشاوندان به ویژه بزرگان خانواده، کارکرد تربیتی خاصی را در پیش گرفته و نقش مهمی در جهت دهی فکری و اخلاقی دیگر اعضای خانواده داشته‌اند.

امام صادق(ع) درباره نقش صله ارحام در حفظ آدمی از گناه می‌فرماید: "صله رحم و نیکی کردن، حسابرسی را آسان می‌کند و انسان را از گناه در امان می‌دارد. پس با ارحام خود پیوند داشته باشید و به برادرانتان نیکی کنید، گرچه به سلام و به جواب سلام باشد".

در صورتیکه ارتباط با خویشاوندان مایه فرو افتادن آدمی به ورطه گناه شود، باید به حداقل ارتباط که در حدیث امام صادق(ع) است، بسنده کرد؛ زیرا نداشتن پیوند گسترده با خویشاوندان بد رفتار و عمل به این حکم دینی، خود جلوه دیگری از در امان ماندن از گناه است.

1 - سوره ابراهیم، آیه 7.



• پالایش روح، اخلاق و عمل و تقویت پایه های دین: صله رحم مایه پاکیزگی عمل و در نتیجه، قبولی اعمال می گردد. امام صادق(ع) می فرماید: «انَّ صَلَّةَ الرَّحْمِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ». همچنین صله ارحام، روح را پالایش می کند، اخلاق را نیکو و دست را سخاوتمند می سازد. آنگاه که اخلاق، نیکو و روح، تزکیه شد، پایه های دین داری استوار می گردد و این یکی از آثار مهم صله ارحام است. امام علی(ع) برپا داشتن نماز، دادن زکات، تضرع و خشوع و صله رحم و ترس از قیامت را مایه استحکام پایه های دینی شمرده است: «عبادالله! اِذْعُوا إِلَى قَوَامِ دِينِكُمْ بِأَقَامِ الصَّلَاةِ لَوْقْتِهَا... وَ صَلَّةِ الرَّحْمِ وَ خَوْفِ الْمَعَادِ».

1, 2, 2. آثار آخری

یکی از موضوعات بهداشت روانی که بعد از نیازهای فیزیولوژیکی تاکید فراوانی روی آن می شود و بین روان شناسان به ویژه انسان گراها مطرح می باشد، «احساس ایمنی» است. آبراهام مزلو از اولین کسانی بود که در این زمینه نظریاتی را مطرح کرد، وی چهارده نشانگان برای کسانی که احساس نایمنی می کنند برشمرد که تعدادی از آنها عبارتند از:

❖ احساس طرد شدن: یعنی احساس اینکه مورد عشق و علاقه دیگران نیست و دیگران با او برخورد سرد و بدون محبت دارند و نیز این احساس که مورد تنفر و خصومت دیگران واقع شده است.

❖ احساس تنهایی.

❖ احساس اینکه دائما در معرض خطر قرار دارند.

آبراهام مزلو معتقدست نشانگان سه گانه فوق، نشانگان اولیه احساس نایمنی هستند که بعنوان علت محسوب می شوند زیرا بقیه نشانگان ثانویه هستند و در واقع معلول این سه عامل می باشند (شاملو، 1360: 144).

اگر «پایگاه» موقعیت ویژه ای باشد که شخص در جامعه یا گروه به دست می آورد، «نقش»، نوعی رفتار است که با پایگاه ها یا شغل های خاص جامعه ارتباط پیدا می کند؛ برای مثال معلمی یک پایگاه است وقتی از معلم توقع دارند که خوش برخورد باشد، خوب سخن بگوید و ...؛ این ها نقش های مورد انتظار از وی است. بنابراین نقش اجتماعی شامل رفتار، کردار، کار و وظیفه ای است که یک شخص در داخل یک گروه به عهده می گیرد (ساروخانی، 1370: 722-726).

نقش را بعنوان نوعی رفتار اجتماعی، که بر طبق الگوهای کلی اجتماعی و فرهنگی گروه صورت می گیرد، مانند نحوه پاسخ به انتظار دیگران، تعریف می کنند. بنابراین برای یک فرد، نقش اجتماعی تنسيق تعدادی از مدل های رفتاری است که در تعامل با یکدیگرند و بر محور یک کارکرد اجتماعی گرد هم می آیند.

"لینتن" نقش را همچون «مجموع مدل های فرهنگی مرتبط با یک پایگاه معین، و در نتیجه در برگیرنده طرز تلقین ها، ارزش ها و رفتارهایی می داند که جامعه برای یک فرد و تمامی افراد پایگاه، تعریف می کند؛ از این رو نقش جنبه عاطفی و پویای یک پایگاه است. (گولد و کولب، 1376: 862). از طریق جذب و خودسازی الگوهای کلی حیات اجتماعی بصورت کسب عادات و با یکپارچگی با مدل های غالب، فرد توانایی ایفای نقش معین و احراز وضعی مرتبط با این نقش را بدست می آورد. چنین فردی دیگر فاقد هویت نیست بلکه فردی است دارای «مقام و موقع» معین و دارای رفتارهای جا افتاده، که از طریق آن شخصیت وی در برابر وضع و شرایطی معین واکنش نشان می دهد و با آن انطباق می پذیرد.

بعضی از جامعه شناسان نقش های اجتماعی را تحت دو دسته کلی تقسیم بندی می کنند:

▪ نقش گزیده یا اختیاری: که تعیین و انتخاب و اختیار آن با فرد یا گروه و سازمان است.



▪ نقش واگذاری یا تحمیلی: که تعیین آن برعهده فرد یا گروه و سازمان نیست، بلکه از سوی رأس هرم جامعه و شرایط و مقتضیات و الزامات آن، تفویض و ترسیم شده است.

در نقش گزیده یا اختیاری؛ غالباً اراده آگاهانه صاحب نقش و در نقش تحمیلی؛ اراده قاهر (حاکم) جامعه مؤثر است. گاهی افراد هر دو نقش را یک جا برعهده دارند؛ مثل نقش استاد برابر دانشجو، که می تواند مبتنی بر علم، نفوذ کلام و قدرت اخلاقی و معنوی او نیز باشد که شوق دانایی و علم آموزی دانشجو از نقش گزیده استاد نشأت می گیرد (بیرو، 1367: 377-378). در پذیرش نقش امکان دارد دو آسیب برای فرد روی دهد:

❖ تعارض نقشها.

ممکن است فردی دارای نقش های متعددی باشد که بین آنها نوعی برخورد یا رویارویی پدید آید که اصطلاحاً به آن تعارض نقش ها می گویند؛ یعنی برخی نقش ها با برخی دیگر سازگاری ندارند، مثل استادی که بدلیل پرداختن به کار علمی، از نقش پدری اش غافل شود. برای اجتناب از آن، ایجاد سازگاری بین نقش ها ضروری است (نیک گهر، 1369: 208-213).

❖ فشار نقش.

گاهی اتفاق می افتد که فرد در اجرای نقشی که از او انتظار می رود، به دلیل تعارض نقش ها و انتظاراتی که دیگران از او در قبال نقش دارند، دچار مشکل می شود. چنین وضعیتی را فشار نقش گویند. برای مثال دانش آموزان از معلم توقع رفتار دوستانه و رسمی دارند و همکاران معلم از او توقع رفتار دوستانه و غیر رسمی دارند، یا دانش آموزان از وی می خواهند که در نمره دادن سختگیری نکند ولی مدیر از وی می خواهد سختگیر باشد (قنادان، 1375: 131-132).

صله رحم یا بعبارت دیگر حفظ پیوندهای خانوادگی و فامیلی و معاشرت با آنها می تواند احساس طرد شدن را از فرد زایل نماید و پذیرفتن نقش های اجتماعی را برای فرد تسهیل نماید. فرد با تماس مداوم با اقوام و نزدیکان احساس می کند مورد عشق و علاقه دیگران بوده و از روی محبت و عطوفت با وی رفتار می شود و مطمئن است که مورد تنفر و خصومت دیگران نیست. از طرفی چون هم دیگران به دیدن او می آیند و هم او به دیدن دیگران می رود در کاهش احساس تنهایی نیز مؤثر است. اگر چنین روابط گرم و صمیمی بین خانواده ها و فامیل ها وجود داشته باشد، افراد هنگام بروز مشکلات و ناملایمات اطمینان پیدا می کنند که از پشتوانه خانواده و خویشاوندان برخوردارند و می توانند در مقابل مشکلات و حوادث ناگهانی مقاومت کنند. فردی که این اطمینان و آرامش را در مجموعه خانواده از گذشته و از دوران کودکی تجربه کرده است، هیچگاه احساس نمی کند که در هنگام خطر تنها گذاشته می شود زیرا همیشه در گذشته مشاهده کرده که وقتی حادثه ای برای خود یا هر یک از نزدیکان او پیش آمده است، همه خانواده و فامیل ابراز همدردی کرده و به کمک آنها آمده اند. بنابراین می توان ادعا کرد که: یکی از آثار معاشرت های خانوادگی و ارتباط های فامیلی، کاهش احساس ناایمنی یا بعبارت دیگر ارضای یکی از مهمترین نیازهای عاطفی یعنی احساس ایمنی است.

بنابراین اسلام می خواهد با چنین پیوندهای خانوادگی و فامیلی، یک پیوند محکم تر و متشکل تری فراهم کند تا افراد در برابر مشکلات و فشارهای زندگی، یکدیگر را یاری نمایند؛ زیرا همین همدلی و هم احساسی های بین افراد باعث می شود توان مقاومت آنها به حداکثر برسد و به تقویت «من» بیانجامد و انسان با داشتن «من قوی» در ناملایمات زندگی و مواقع بحرانی و ایجاد فشارهای روانی، کم تر دچار از هم پاشیدگی و عدم تعادل می شود و این همان چیزی است که بهداشت روانی آن را دنبال می کند. در اینجا بیان این نکته ضروری است که نقش صله رحم و معاشرت با اقوام برای سالمندان به مراتب بیشتر است؛ بدلیل اینکه احساس ناامنی در زنان و مردان سالمند بیشتر نمود پیدا می کند. از دست دادن توانایی های



جسمانی، بازنشسته شدن و عدم قدرت بر ادامه کار و از دست دادن مقام اجتماعی و عدم حضور فعال در صحنه های گوناگون زندگی، احساس طرد شدن و احساس تنهایی را در پیرمردان و پیرزنان بیشتر به وجود می آورد؛ از این روی داشتن ارتباط با آن ها و تعظیم و تکریم آنان در کاهش احساس ناایمنی بسیار مؤثر است.

خداوند، بنده ای را دوست می دارد که خودپرست و منفعت جو نباشد، بلکه با استفاده از نعمت های الهی در جهت خدمت به خلق او به ویژه خویشاوندان، شکر عملی نعمت های او را به جای آورد. چنین کسی دوستدار خدا و مشمول محبت الهی است. خداوند، سختی های مرگ را برای او آسان می سازد و بدنش را در قبر، خوش بو می سازد. گناهانش را می بخشد، حسابرسی او را در قیامت آسان می کند و از عذاب دوزخ، رهایی می بخشد. چنین مؤمنی شایسته دریافت پاداش عظیم الهی است و مجوز ورود به بهشت پر نعمت الهی را می یابد.

از امام سجاده (ع) آمده است: "اگر دوست داری که خداوند، جسد تو را خوشبو گرداند و گناه تو را در قیامت ببخشد، نیکی کن و پنهانی صدقه بده و صله رحم به جا آور".

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره پاداش اخروی کسی که خود یا مالش را در طریق صله رحم و خدمت به خویشان به کار گیرد، می فرماید: "خداوند اجر صد شهید به او عطا می کند و برای هر قدمی که در این راه برمی دارد، چهل هزار حسنه داده می شود و چهل هزار گناه از گناهان او پاک می کند. به همین میزان، به درجه های معنوی او افزوده می گردد و هفتاد حاجت از حاجت های دنیوی او برآورده می شود.

2, 2. آثار اجتماعی صله ارحام

صله رحم، علاوه بر آثار فردی اعم از دنیوی و اخروی دارای پی آمدهای اجتماعی خاصی نیز هست که جایگاه این عمل عبادی را در عرصه اجتماع نمایان می سازد و در جهت شکوفایی جامعه نقش مؤثری ایفا می کند. اکنون به فراخور مجال این نوشتار به آنها اشاره می کنیم:

2, 2.1. همبستگی اجتماعی

جامعه شناسان معتقدند که همبستگی اجتماعی معلول پدیده ای به نام همبستگی گروهی است و همبستگی گروهی به معنای آنست که «افراد گروه در قالب گروهی که هستند، وحدت خود را حفظ کنند و با عناصر وحدت بخش (مذهب، فرهنگ، عاطفه، میهن و خویشاوندی) همنوایی یابند».

پس اگر افراد در قالب گروه های کوچک فامیلی دارای تفاهم و توافق باشند و به یکدیگر یاری رسانند، در اجتماع نیز اثرگذار خواهند بود و به نوعی انسجام اجتماعی ایجاد می کنند. چنین انسجامی مایه حیات، رشد و بالندگی جامعه و در نهایت، عمران و آبادانی آن می گردد. پیوندها و گروه های خویشاوندی از آنجا که مبتنی بر کشش های طبیعی و تمایلات فطری و انگیزه کافی افراد برای حضور در آنهاست، مورد تأکید اسلام قرار گرفته است تا نقطه شروع اصلاح نظام اجتماعی باشد. چه بسا حکمت حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز که صله رحم را مایه عمران و آبادی سرزمین ها دانسته اند، همین باشد: «ان الصدقة و صلة الرحم تعمران الدیار» (مجلسی، 1403، ق، ج 10).

2, 2, 2. نظارت اجتماعی



از منظر جامعه شناسی، برقراری ارتباطات متنوع اجتماعی و مشارکت فعال در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی، مهمترین منبع جامعه پذیری و کنترل اجتماعی به شمار می رود که فرآیند جامعه پذیری در خانواده، مدرسه، گروه همسالان، کانون های مذهبی، محیط اجتماعی و مانند آن صورت می گیرد. برقراری روابط منسجم، رواج تعامل های دو جانبه، در هم آمیختگی منافع و مصالح مشترک، تلاش جهت رفع حاجت های مادی و معنوی دیگران و... بعنوان مهمترین زمینه ها و آثار صله رحم، نتایج متعددی از جمله نظارت اجتماعی را به همراه خواهد داشت. شبکه خویشاوندی بعنوان یک جامعه کوچک بطور مستقیم و غیرمستقیم ناظر بر رفتار یکدیگرند. دستور اسلام برای برقراری روابط مستحکم نیز زمینه را برای چنین نظارتی فراهم می سازد. بهمین دلیل، پیامبر برای بیان احکام اسلام و اجرای آن مأمور می شود از خویشان خود آغاز کند: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» و از اینروست که امام صادق(ع) نیکی و صله رحم را مایه امنیت از گناه و آسان سازی حساب روز قیامت می شمارد.

2.2.3 افزایش جمعیت

در خطبه حضرت زهرا علیها السلام آمده است که خداوند، صله رحم را برای زیاد شدن نفوس واجب کرده است: «فَرَضَ اللَّهُ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنَامَةً لِلْعَدَدِ». احترام قرآن و روایات به خانواده از آن روست که روابط مستحکم خانوادگی و فضای محبت آمیز و عاطفی حاکم بر آن، میل به همکاری و حیات را در انسان افزون می سازد. برعکس ستم فرزندان به والدین و یکدیگر، خود رأی بودن و منفعت پرستی، همکاری نکردن و مانع تراشی بر سر راه یکدیگر، میل طبیعی به تولید و تربیت فرزند را از بین می برد و در دراز مدت، به انقطاع نسل می انجامد. همین مسئله مفاسد اخلاقی و اجتماعی فراوانی را گریبان گیر جامعه می سازد.

کاهش چشمگیر جمعیت در برخی کشورهای اروپایی که کارگزارانشان را به در پیش گرفتن تدبیری برای تشکیل کانون خانواده از سوی جوانان وادار کرده است، سست بودن بنیان خانواده ها و بحران های اخلاقی و اجتماعی و فرهنگی حاصل از آن، بدلیل عمل نکردن به دستورهای صحیح دینی است.

2.2.4 فقرزدایی

اگر جنبش فقر زدایی از روابط خویشاوندی آغاز شود و صله ارحام فقط در محدوده سلام کردن متوقف نشود و به مرحله همیاری و رفع گرفتاری خویشان ارتقا یابد و این فرهنگ اسلامی عمومیت یابد، به یقین، فقر ریشه کن خواهد شد. اینکه قرآن، خویشاوندان را در صدقه و انفاق بر دیگران مقدم می دارد، در راستای تحکیم همین بنیان است. امام سجاد(ع) در این زمینه می فرماید: "بر تو باد به نیکی کردن، صدقه دادن پنهان و صله رحم بدرستی که آنها عمر را زیاد و فقر را می زدایند".

2.2.5 تأمین نیاز وابستگی به گروه

این نیاز از جمله نیازهایی است که در هر مرحله از رشد در انسان وجود دارد و انسان به نوعی در پی تأمین آن است. وابستگی و ارتباط با گروه تنها برای تأمین نیازهای مادی نیست، بلکه فرد، خود را به وسیله گروه می شناسد و از این طریق به ویژگی های اخلاقی و توانمندی های خود پی می برد. افزون بر آن، گروه سبب تحکیم شخصیت فرد می گردد و پذیرفته شدن از طرف گروه، موقعیت اجتماعی فرد و میزان موفقیت او را مشخص می سازد. همچنین فرد شیوه برخورد با دیگران،



رعایت مصالح دیگران، تحمل افکار مختلف و اعتماد به نفس را در گروه می آموزد و در نهایت، موقعیت اجتماعی خویش را استوار می سازد.

افراد و خویشاوندان انسان در حکم یک گروه منسجم اجتماعی اند که هر فردی در سایه تعلق به آن می تواند به تأمین این نیاز بپردازد. بسیاری از بحران های اخلاقی و شخصیتی که در نسل جوان صورت گرفته است، و به صورت اعتیاد، فرار از خانه، خودکشی و... پدیدار می شود، نتیجه طرد شدن فرد از سوی خانواده و دوستان بوده است. یکی از راهکارهای پیشگیری از این معضل، تقویت احساس تعلق به گروه و رواج مهرورزی میان خانواده و خویشاوندان است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «صله رحم باعث زیاد شدن مال و ایجاد محبت میان خویشاوندان می شود» (کلینی، 1388 ق).

راهکارهای مقابله با ضعف در صله رحم با توجه به آموزه های اهل بیت (ع)

آنچه در دنیای کنونی عامل اصلی ایجاد فاصله میان افراد و گروه های انسانی گردیده است، توجه بیش از پیش به «دنیا» و وابستگی به ظواهر دنیوی است. مهمترین راهکار مقابله با آن در آموزه های اسلامی، برگرفتن «جهان بینی الهی» و دست شستن از «خودمداری دنیوی» است. این جهان بینی مبتنی بر سه اصل است: اعتقاد به خدای یگانه؛ اعتقاد به معاد و زندگی ابدی برای هر فردی از انسان در عالم آخرت؛ اعتقاد به بعثت پیامبران توسط خدا برای هدایت بشر به سوی کمال نهایی و سعادت دنیا و آخرت. این اصول سه گانه در واقع پاسخی است به اساسی ترین سؤالاتی که برای هر انسان آگاهی مطرح می شود: مبدأ هستی چیست؟ پایان زندگی چیست؟ از چه راهی می توان بهترین برنامه زیستن را شناخت؟

تعریفی که مطابق این جهان بینی از «زندگی» در دنیا می شود، تعریفی جامع و مردودکننده ادعاها و نگرش موجود در جهان بینی مادی است. تفسیر این جهان بینی از زندگی مبتنی بر سرشاخه ها و سرفصل های متعددی است که عمده آنها به شرح زیر است:

2. راهکارهای عملی مقابله با ضعف در صله رحم در سیره اهل بیت (ع)

دورکیم براین اعتقاد است که محیط طبیعی بطور مستقیم بر زندگی اجتماعی تأثیر ندارد و "مخصوصاً {محیط} طبیعی نیست که محرک برای رفتار خودکشی است". و بنابر تحقیقات وی دلیل آنکه از ژانویه تا ژوئیه {از ماه اول میلادی تا ماه ششم میلادی}، مرگ های ارادی بیشتری رخ میدهند، اثر مخرب گرما بر اندامها نیست بلکه به علت تراکم و فشردگی زندگی اجتماعی است (دورکیم، 1366: 115).

دورکیم در مطالعات خود به این نتیجه رسید که در کشورهای کاتولیک مذهب خیلی کمتر از کشورهای پروتستان مذهب و در کشورهایی با مذهب مختلط، حد وسط این دو میزان است و این بدلیل این نیست که مذهب پروتستان کمتر از کاتولیک، خودکشی را مذموم دانسته بلکه بدلیل رشد فردگرایی در جوامع پروتستان مذهب است و افراد این جوامع که دارای روحیه پرس و جوگری هستند در حالیکه کاتولیک ها با حفظ سیمای سنتی خود از انسجام و یکپارچه گی بیشتری برخوردارند، عبارت دیگر با کاهش سطح همبستگی اجتماعی، خودکشی افزایش پیدا می کند (توسلی، 1374: 146).

استنتاج کلی دورکیم اینست که نرخ خودکشی اجتماعی هر جمعیتی تنها با عطف به نتایج و آثار میزان تغییرات در درجات انسجام اجتماعی و یکپارچه گی گروهی قابل تبیین است. وی همچنین در صدد بود نرخ خودکشی را بدون کنترل متغیرهای سن و جنس توضیح دهد. روش دورکیم جهت حصول به متغیرهای علی تعیین کننده نرخ خودکشی عبارتست از:

- حذف عوامل فوق اجتماعی از رابطه علی.
- اقدام به نوعی تعمیم اخص در باب ارتباط بین نرخ خودکشی اجتماعی و میزان همبستگی و شکل اجتماعی.



در سخن دورکیم، منش اجتماعی شامل کیفیت هایی مانند "چگونگی عمل، تفکر و احساس" به حساب می آیند. البته در نظر گرفتن عناصر "واقعۀ اجتماعی"، آن هم بدان سبب که دورکیم مانند وبر خصوصیات این پدیده را صرفاً در حالات ذهنی شخص جستجو نمی کند و به واقعیت های خارجی که خود را بر فرد تحمیل می کند هم، توجه دارد (سلیمی و داوری، 1380: 209).

"تارد" معتقد بود که رفتار و اعمال هر فرد در اجتماع ناشی از تقلید است و افراد با تقلید از عادات و رفتار دیگران، روابط اجتماعی خود را برقرار می کنند. دورکیم همچنین به انتقاد از نظریات تارد پرداخته است و تقلید در رفتارهای اجتماعی را رد می کند و با واضح سازی اهداف و روشهای جامعه شناسی به آن جنبه علمی داده و عقیده دارد که افکار و رفتار افراد تابع نموده های اجتماعی است که ناشی از مجموعه تجربیات و آرمان های جامعه است که عقاید و اسلوب های انسان بطور ناخود آگاه بدان وابستگی دارد.

حال با چه عواملی می توان از بروز خودکشی جلوگیری کرد؟ کاملاً پیداست که خودکشی پدیده ای است که ممکن است در هر قشری از جامعه اتفاق بیفتد، اما تلاش در کاهش عوامل تش زای محیطی، خانوادگی، تحصیلی و سازمان ها و آموزش بهداشت روانی از طریق رسانه های گروهی می تواند از راه کارهایی باشد که از روند رو به رشد نرخ خودکشی در جوامع بکاهد.

دورکیم ثروت ناگهانی در برابر فقر را یک عامل بحران زا می بیند و نشان می دهد که تحت تأثیر این عامل برخی از اشکال رفتارهای انحرافی نظیر خودکشی افزایش می یابد که خود این عامل مولود تغییرات شتاب زده اجتماعی - اقتصادی است که به موجب از هم پاشیدگی هنجارهای سنتی یعنی وضعیت سریع انومی می گردد. کونیک در تکمیل نظریه وی چنین آورده است: "فقر به تنهایی بیشتر بعنوان یک عامل ثبات بخش در جامعه تأثیر می گذارد و در آن صورت فقر غیر قابل تحمل می شود و انسان می کوشد با همه ابزار ممکن از وضعیت فقر بیرون آید و در نتیجه این اعمال رفتار انحرافی رشد می کند" (رفعی پور، 1389: 56).

مذهب از عواملی است که نرخ خودکشی را کاهش می دهد اما نه به این دلیل که در محکومیت خودکشی نسبت به اخلاق سنتی تردید کمتری دارد و نه مفهوم خدا، القا کننده اقتداری استثنایی بر اراده افراد است بلکه مذهب، مجموعه ای از اعتقادات و اعمال مشترک نزد پیروان خود است که "سنتی و در نتیجه الزامی است و همین التزام می تواند عامل متوقف کننده باشد. می توان دیگر عوامل جلوگیری کننده از خودکشی را چنین نام برد:

- مشاوره، راهنمایی، حمایت و روان درمانی فرد.
- همبستگی اجتماعی در حد اعتدال باقی بماند و در تعیین سرنوشت و مسیر زندگی افراد، مصالح فردی و جمعی به یک اندازه در نظر گرفته شوند و فشار و نظم اجتماعی در حد معقول و مطلوب باشد.
- احساس هویت اجتماعی در افراد تقویت شود زیرا باعث از بین بردن انزوای اجتماعی و غیرهدفمند کردن زندگی فرد می شود و افراد جامعه براساس آن، جایگاه و منزلت واقعی خود را کسب می کنند.
- اشاعه فرهنگ احترام به حقوق انسانی و اصلاح الگوهای ارتباط بین زن و مرد.
- تعمیق باورها و نگرش های دینی با به کارگیری شیوه تبلیغی مؤثر.
- مقابله با آداب و رسوم غلط اجتماعی درباره زنان.
- آشنا کردن خانواده با علایم و دگرگونی های رفتاری فرد قبل از خودکشی.



- ایجاد خانه سلامت و خطوط تلفن بحران.
 - پیش بینی واحد درسی "حقوق و دانش خانواده" در آموزش و پرورش.
 - تعلیم و تربیت روحانیون، پرستاران، پلیس، معلمان و سایر مسئولینی که با افراد زیادی در تماس هستند و همین طور باید تصویر فرد از خود و آینده اش را همواره با عقاید مذهبی روشن کرد چرا که از موانع بسیار با اهمیت در پیشگیری از خودکشی می باشد (کلمن، 1386: 688).
- اگر به راه حل های 11 گانه فوق نظر بیافکنیم در همگی به استثنای گزینه 1، بر ارائه راه حل هایی مبتنی بر دیدگاه جامعه شناختی و مددکاری اجتماعی تاکید شده است. و دو راه حل بنیادین که در تحقیقات دورکیم بر آن نیز تاکید شده و یافته های دورکیم آنان را تایید کرد، اشاره به نقش "مذهب" و "همبستگی اجتماعی" در جلوگیری از خودکشی است. صله رحم از مهترین راهکارهای عملی تعالیم دینی برای افزایش همبستگی اجتماعی و جلوگیری از تنهایی و خودکشی فرد است. به هرکاری که موجب پیوند خویشان شود صله رحم می گویند، هر چند کار کوچکی مانند نیکو سلام کردن یا جواب دادن سلام یا دادن جرعه ای آب به خویشاوندان باشد (ری شهری، 1363: 745). به طور کلی به هرگونه عملی که از روی لطف و احسان باشد و سبب تحکیم روابط عاطفی میان ایشان شود، صله رحم گفته می شود و در مقابل به هر نوع بی اعتنائی در برابر خواسته های مشروع خویشاوندان و ادا نکردن حقوق آنان قطع رحم می گویند که به کدورت و ایجاد فاصله میان آنها می انجامد.
- با استفاده از آیات قرآن و روایات ائمه معصوم علیهم السلام شیوه های صله رحم را به چهار دسته می توان تقسیم کرد؛ تلاش برای تحقق این چهار شیوه، دقیقاً راهکارهای عملی مبارزه با ضعف در صله رحم است:
- الف) صله رحم زبانی:** کارهایی چون سلام کردن و رد سلام و فرستادن سلام (از طریق واسطه) جزو صله رحم زبانی به شمار می آید. خداوند در قرآن کریم می فرماید: **وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها...!** ۱ چون به شما درود گفته شد، شما بهتر از آن درود گویند یا همان را در پاسخ برگردانید....
- دعا کردن در حق خویشان، به نیکی یاد کردن از آنان و دوری از غیبت، تهمت، فحش، بدگویی و خبرچینی درباره ی آنان نیز از مصادیق صله رحم زبانی به شمار می رود.
- ب) صله رحم عملی:** دید و بازدید، گفتگوی حضوری با خویشاوندان، رفتن به خانه آنها و دعوت از آنها، نوشتن نامه برای بستگان در سفر، مسافرت برای دیدار با خویشان، گشاده رویی و مصافحه در برخورد با آنها، قهر نکردن و پیشی گرفتن در برقراری دوستی دوباره با آنها هنگام قهر و کدورت، عیادت از بیمار، شرکت در تشییع جنازه و مجالس بزرگداشت درگذشتگان، پذیرفتن دعوت، اصلاح مفاسد و دفع ستم از بستگان، برآوردن حاجت آنها پیش از بیان کردن و شریک بودن در شادی و غم آنها را می توان از موارد صله رحم عملی دانست.
- برخی افراد ترجیح می دهند بصورت غیرحضوری از خویشان و بستگان خود احوالپرسی کنند. آنها به واسطه ی این و آن یا به وسیله تلفن و نامه با خویشاوندان تماس برقرار می کنند و احوالشان را جویا می شوند، اگرچه با این کار از احوال خویشان آگاه می شوند ولی باید دانست دیدار و گفتگوی چهره به چهره حلاوت و برکت دیگری دارد. البته احوالپرسی غیرحضوری (تلفنی) نیز خوب است و نوعی صله رحم به شمار می رود ولی جای دیدار حضوری را نمی گیرد. نامه نوشتن به



اقوام نیز نیکوست، ولی بار سفر بستن و به دیدار آنها رفتن و آنان را شاد کردن، نشان دهنده محبت و علاقه‌ی بیشتر به آنان است و به صمیمیت و یکدلی بیشتری می انجامد.

رسیدن به نشاط خاطر و بهره‌مندی از تجربه‌های یکدیگر نیز از مزایای دیدار حضوری است. امام هادی (ع) در این باره می فرماید: «دیدار برادران سبب انبساط خاطر و باروری اندیشه است، هر چند کوتاه و اندک باشد» (ری شهری، 1363: 298). با این همه آثار و برکتی که در دیدار حضوری وجود دارد، دیگر چه جای درنگ و بهانه جویی و عذرتراشی برای ترک رفت و آمد با خویشان و آشنایان است. باید هر فرصتی را برای دیدار مغتنم شمرد. برگشتن از مسافرت، تولد فرزند، مراسم ازدواج، بیماری و فوت بستگان، همه فرصت‌هایی هستند برای دیدار حضوری. این دیدارها پیوند خویشاوندان را مستحکم می‌کند، چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «الزَّيَارَةُ تُنَبِّئُ الْمَوَدَّةَ؛ دیدار، محبت و دوستی را زیاد می‌کند» (سفینه البحار، 1378: 576).

چه خوب است هنگام رفتن به دیدار خویشان قصد قربت کنیم و پاداش آنها را تنها از خدا بخواهیم. نگوییم من چندبار به دیدن فلانی رفتم، ولی او به دیدنم نیامده است، پس من هم دیگر به دیدنش نمی روم، بلکه برای بهره‌مندی از ثواب الهی باید از اینگونه محاسبه‌ها بپرهیزیم. البته هر دیدی، باز دیدی دارد هر سلامی، علیکی؛ ولی گاهی بهتر است کریمانه و با بزرگواری از این موارد گذشت. دیدار مؤمن، دیدار خداست. در حدیث قدسی آمده است: «أَيُّمَا مُسْلِمٍ زَارَ مُسْلِمًا فَلَيْسَ إِيَّاهُ زَارَ إِيَّايَ زَارَ وَ تَوَابُهُ عَلَى الْجَنَّةِ؛ هر مسلمانی که به دیدار مسلمانی برود، در واقع مرا زیارت کرده است و پاداش او برعهده من، بهشت است» (الکافی، 1388ه.ق: 176).

از امام باقر و امام صادق (ع) نیز روایت شده است: هر مؤمنی که به قصد دیدار مؤمن دیگر از خانه بیرون رود و او را همراه با معرفت به حقوقش زیارت کند، خداوند به پاداش هر گامش در این راه حسنه‌ای برای او می نویسد و گناهی از او محو می‌کند و درجه‌ای بر درجه‌های او می‌افزاید. چون در بزند، درهای آسمان به رویش باز می‌شوند و چون مؤمنان با یکدیگر ملاقات و مصافحه و معانقه کنند، خدای متعال رو به فرشتگان می‌کند و با مباحثات گوید: دو بنده‌ام را بنگرید! بخاطر من با هم دوستی و دیدار می‌کنند. بر من است که از این پس از عذاب مصونشان دارم و چون برگردد، فرشتگان بدرقه‌اش می‌کنند و اگر تا شب بعد از دنیا از حساب معاف می‌شود» (الکافی، 1388ه.ق: 184).

چه محرومند آنان که با کوه فکری و به دلایل پوچ و لجاجت‌های بی‌جانه، با هم فخر و قطع رابطه می‌کنند و درهای خیر و برکت الهی را به روی خود می‌بندند.

ج) صله رحم قلبی: آرزوی قلبی برای سعادت‌مندی خویشان در دنیا و آخرت، دعا برای دفع بلاهای دنیوی و اخروی،

آرزوی تداوم نعمت‌های موجود، محبت و ورزی به آنان و به یاد یکدیگر بودن از موارد صله رحم قلبی است.

د) صله رحم مالی: کمک مالی بلاعوض برای رفع مشکلات خویشان، دادن هدیه به خویشان در مناسبت‌های خاص،

هزینه کردن مال خویش برای رفع کدورت‌ها و اختلافات ایشان، مواسات با آنها در مال، حفظ اموال خویشان و وارد

نکردن خسارت‌های مالی به آنها و پرداخت صدقه‌های مالی به نیابت از آنها از نمونه‌های صله رحم مالی بشمار می‌آید.

نتیجه گیری

از دیدگاه جامعه‌شناسانه، مذهب یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های زندگی انسان در بعد فردی و جمعی است. "دورکیم" از بزرگان جامعه‌شناسی، دیدگاه خویش را درباره منشأ و علل گرایش به دین بسط و گسترش داده است. از دیدگاه وی، نیازهای



انسان متعدد است اما آن نیازی که تنها از طریق دین برآورده می شود، نیاز به روابط سالم اجتماعی است. نیازهای دیگر او مثلاً نیاز به شناسایی جهان یا حقیقت طلبی انسان بوسیله علوم عقلی مانند فلسفه برآورده می شود. تنها نیازی که جز بوسیله دین تأمین نمی شود، همان دستیابی به روابط متعادل اجتماعی است. بعقیده او انسان دارای دو خود است:

- خود فردی.
- خود جمعی.

هرگاه انسان خود جمعی خویش را فراموش کند، برای توجیه رفتارهایی که خود فردی توجیه پذیر نیست، مانند گذشت و فداکاری، چیزی به نام ماورای طبیعت و قوانین مربوط به آن را بعنوان دین پدید می آورد؛ این در حالی است که آنچه به نام دین پدید آورده است، همان خود جمعی است که مورد غفلت قرار گرفته است. به نظر "دورکیم" انسان ذاتاً خودخواه است. این خودخواهی با خودخواهی دیگران تراحم بلکه تعارض دارد؛ زیرا خودخواهی، جلب منافع و دفع ضرر را دنبال دارد. خودخواهی بطور طبیعی به درگیری های اجتماعی کشیده می شود و نظم اجتماعی از میان می رود. در بی نظمی اجتماعی به آسانی کسی توان دستیابی به منفعت و دفع ضرر را ندارد، از این رو برای دستیابی انسان به منافع و لذایذ خود، نیازمند به روابط اجتماعی سالم است. از آنجاکه روابط اجتماعی سالم در جامعه با خودخواهی قابل جمع نیست، انسان به دین و باورهای دینی روی می آورد تا بسیاری از موارد مانند گذشت، فداکاری و ایثار و... را با آموزه های دینی توجیه کند. بنابراین از دیدگاه "دورکیم" یکی از عوامل برقرار کننده نظم اجتماعی، گرایش به دین است و انسان بوسیله وضع قوانین اینگونه به تحکیم و دوام روابط اجتماعی سالم می پردازد.

تغییر شرایط یک حقیقت است و متأسفانه این تغییر سبب شده است که ارتباطات کمتر شود، اما باید قبول کنیم که مقداری از آن به سبب تغییر شرایط اجتماعی نیست، بلکه باورها و ارزش ها نیز تا حدودی مورد غفلت قرار گرفته و یا حتی تغییر کرده اند. واقعا زندگی کردن، کار و تلاش برای چیست؟ مگر نه اینکه به دنبال زندگی بهتر، آرامش بیشتر و اموری از این قبیل هستیم و مگر نه اینکه دور هم بودن به فکر هم بودن، داشتن کسانی که با شادی ما شادند و در ناراحتی ما غمگین هستند، داشتن کسانی که در صورت نیاز به ما کمک می کنند و... اینها را تأمین می کند، پس بیراهه نرویم و باور داشته باشیم با همین دید و باز دیده ها (البته نه فقط موقت و در ایام خاص) و با همین سنت ها می توانیم زندگی خوبی داشته باشیم.

مقام معظم رهبری درباره سبک زندگی اسلامی تأکید دارند، این مسئله اهمیت زیادی در پیشرفت جامعه و سعادت مندی آن دارد. آنچه در صله رحم می تواند مورد توجه قرار گیرد، سبک زندگی اسلامی است. در تعالیم اسلامی، بر خلاف افکار و مکاتب و اندیشه های دیگر که بعضاً بر فاصله گرفتن از ارحام تأکید دارد، صله رحم اهمیت زیادی دارد. از جمله عرصه هایی که در مسئله صله ارحام باید به آن توجه داشت، تأثیرگذاری فکری و اندیشه ای بر ارحام است. ما باید بدانیم که چه کنیم تا سبک زندگی اسلامی صله ارحام را برنامه ریزی نماید.

باید سبک زندگی اسلامی در مقام نظر و فکر تنظیم شود و در تفکر دین نیز نوع صله رحم تبیین شود. از سوی دیگر صله رحم در تعمیق سبک زندگی اسلامی تأثیر بسیاری دارد، البته به شرطی که این صله رحم برگرفته از روش و منش قرآن و دین باشد. توجه به آموزه های اهل بیت (ع) در مذمت دلبستگی به دنیا مهمترین راهکار برخورد با ضعف در صله رحم است. همچنین راهکارهای مبارزه با ضعف در صله رحم از منظر قرآن و آموزه های اهل بیت را در تحقق چهار شیوه می توان دسته بندی کرد:

(ب) صله رحم عملی

(الف) صله رحم زبانی



(د) صله رحم مالی

(ج) صله رحم قلبی

فهرست منابع

- قرآن کریم. (1384). ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی. چاپ چهارم، تهران: انتشارات نیلوفر و دوستان.
- آمدی، عبدالواحد. (1380). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه محمد علی انصاری. ویرایش و تصحیح مهدی انصاری قمی. تهران: ناشر امام عصر.
 - الحرانی، ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه. (1394.ق) تحف العقول عن آل الرسول. قم: مکتبه بصیرتی.
 - الحر العاملی، محمد بن الحسن. (بی تا). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. به تصحیح و تحقیق و تدبیل عبدالرحیم الریانی الشیرازی. بیروت: داراحیا التراث العربی.
 - المنجد: فی الغه (1388). انتشارات اسلام.
 - بیرو، آلن (1367). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
 - توسلی، غلام عباس (1374). نظریه های جامعه شناسی، انتشارات سمت.
 - خوانساری، جمال الدین محمد. (1373). شرح غررالحکم و دررالکلم. با مقدمه و تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
 - داوری، محمد و سلیمی، علی (1387). جامعه شناسی کج روی. نشر: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
 - دورکیم، امیل (1366). خودکشی. ترجمه: نادر سالارزاده، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
 - رفیع پور، فرامرز (1389). آناطومی جامعه: مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربردی. شرکت سهامی انتشار.
 - ری شهری، محمد محمدی. (1363). میزان الحکمه. ج 4. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 - ری شهری، محمد محمدی. (1390). حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم (فارسی)، ج 12، سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
 - ساروخانی، باقر (1370). درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
 - شاملو، سعید (1360). بهداشت روانی. انتشارات سهامی چهر.
 - عمید، حسن. (1389). فرهنگ فارسی عمید. انتشارات فرهنگ نما.
 - طباطبایی، سید محمد حسین (1417.ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 - لغت نامه دهخدا. (1393). ناشر: دانشگاه تهران.
 - کلمن، جیمز سیمونل (1386). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
 - کلینی، محمد بن یعقوب. (1388.ق). الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 - گولد، جولوس و کولب، ویلیام. ل (1376). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه: مصطفی ازکیا و دیگران، تهران: انتشارات مازیار.
 - فنadan، منصور و دیگران (1375). جامعه شناسی (مفاهیم کلیدی)، تهران: انتشارات آوای نور.
 - مجلسی، محمد باقر. (1403 ق). بحارالانوار. چاپ دوم. موسسه الوفا بیروت.
 - مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از دانشمندان (1372). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 - مکارم شیرازی، ناصر (1392). درس اخلاق آیت الله مکارم شیرازی (13)؛ فلسفه صله رحم چیست/ رحم کیست و صله یعنی چه.
 - نهج البلاغه. (1389). ترجمه: محمد دشتی. تهران: انتشارات اتقان.
 - نیک گهر، عبدالحسین (1369). مبانی جامعه شناسی، تهران: رایزن.